



Research in Curriculum Planning

Vol 18. No 43 (continus 70)
fall 2021, Pages 93-112

پژوهش در برنامه ریزی درسی

سال هجدهم، دوره دوم، شماره ۴۳ (پیاپی ۷۰)
پاییز ۱۴۰۰، صفحات ۹۳-۱۱۲

Evaluation of architectural student's Aesthetic education in universities (Case Study: Universities of Guilan)

Mohadese Seyhani, Hossein Safari, Amirreza karimiazari, Seydeh Mamak Salavatian

¹ PHD candidate in Architecture, Department of Architecture, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.

² Assistant Professor, Department of Architecture, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.

³ Associate Professor, Faculty of Art and Architecture, University of Guilan, Rasht, Iran.

⁴ Assistant Professor, Department of Architecture, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.

Abstract

The aim of this study is to evaluate the quality of aesthetic education of architecture students in Guilan's universities and explain its importance in shaping the aesthetic tendencies and tastes of students in the academic year of 2019-20. Due to its nature, the present research method is descriptive-analytical and in the scope of evaluation studies. In order to collect data, two types of questionnaires based on the model extracted from the qualitative part of the research, in the Likert scale and the visual questionnaire were used. The validity of the questionnaire was assessed by content validity method. The reliability of the questionnaire was assessed by Cronbach's alpha coefficient and to calculate it the 21.0 version of SPSS was used in two stages; which were 0.89 and 0.92 respectively. The results showed that, students in both levels of education have a higher level of aesthetic knowledge compared to aesthetic wisdom and competence in universities. Such a way that in the undergraduate course, the scores obtained in the field of knowledge were 3.39, in the field of wisdom were 3.12 and in the field of competence were 2.86. In the master's degree, the scores obtained in the mentioned fields were 3.57, 3.18 and 2.98, respectively. This was reflected in the significant tendency of their aesthetic manner to formal beauty. In other words, based on results, the one-sided tendency of the educational process towards the foundation of education in this field has led to the training of one-dimensional architects in an aesthetic perspective.

Keywords: Education Pathology, Architectural training, Guilan, Aesthetic education, Aesthetic

کیفیت سنجی تربیت زیبایی شناسانه دانشجویان معماری در مراکز آموزش عالی (نمونه موردی: مراکز آموزش عالی استان گیلان)

محدثه صیحانی، حسین صفری*، امیررضا کریمی آذری، سیده مامک صلواتیان

^۱ دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

^۲ استادیار، گروه معماری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

^۳ دانشیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

^۴ استادیار، گروه معماری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی کیفیت تربیت زیبایی شناسانه دانشجویان معماری در مراکز آموزش عالی استان گیلان و تبیین اهمیت آن در شکل گیری گرایشات و سلیقه زیبایی شناختی آنها، در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ صورت پذیرفت. روش پژوهش با توجه به ماهیت آن در شمار تحقیقات توصیفی-تحلیلی و در طیف مطالعات ارزشیابی قرار می گیرد. برای جمع آوری داده ها، از دو نوع پرسشنامه تدوین شده مبتنی بر الگوی استخراج شده از بخش کیفی پژوهش، در طیف لیکرت و پرسشنامه تصویری بهره گرفته شد. برای آزمون روایی پرسشنامه از روش روایی محتوا استفاده شد. برای سنجش پایایی پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ و برای محاسبه آن از نسخه ۲۱ نرم افزار SPSS، در دو مرحله بهره گرفته شد که به ترتیب معادل ۰/۸۹ و ۰/۹۲ به دست آمد. نتایج پژوهش نشان داد، دانشجویان هر دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در جریان آموزش، از دانش زیبایی شناسانه بالاتری نسبت به بینش و توانش زیبایی شناسانه برخوردار شده اند؛ به گونه ای که در دوره کارشناسی، نمرات کسب شده در حوزه دانش ۳/۳۹، در حوزه بینش ۳/۱۲ و در حوزه توانش ۲/۸۶ برآورد شد. در دوره کارشناسی ارشد نیز، نمرات کسب شده در حوزه های مذکور به ترتیب معادل ۳/۵۷، ۳/۱۸ و ۲/۹۸ به دست آمد. این امر در گرایش محسوس سلیقه زیبایی شناختی دانشجویان به زیبایی فرمال نیز نمود یافت؛ به عبارت دیگر بر اساس یافته ها، گرایش یک جانبه جریان آموزشی به سمت بنیان آموزش در این عرصه، در حال تربیت معمارانی تک قطبی در دیدگاه زیبایی شناسانه است.

واژگان کلیدی: آسیب شناسی آموزش، آموزش معماری، استان گیلان، تربیت زیبایی شناسانه، زیبایی شناسی

مقدمه

از زیبایی به عنوان پدیده‌ای دوقطبی یاد می‌کنند که از یک طرف تابعی از کیفیات ادراکی ادراک‌کننده زیبایی بوده و از طرف دیگر متأثر از ویژگی‌های پدیده زیباست (Tahbaz, 2003)؛ در نتیجه برای آموزش در این حوزه نیز می‌توان دو رویکرد کلی، شامل آموزش مخاطبان و آموزش معماران متصور شد.

پژوهش حاضر با تکیه بر این فرضیه که شیوه آموزش در ارتقاء کیفیت ادراک و دیدگاه زیبایی‌شناختی دانشجویان مؤثر است و صرف نظر از اهمیت آموزش مخاطبان آثار، به اهمیت آموزش معماران در مدارس معماری ایران نظر دارد. این در حالی است که امروزه در کشور ما کمتر به موضوع زیبایی‌شناسی با دیدگاهی علمی و یکی از ضروریات حوزه آموزش معماری توجه می‌شود؛ برخی صاحب‌نظران علت غیبت این مفهوم در بحث‌های یادگیری و برنامه‌های درسی را ماهیت آن به عنوان امری تجملی، حاشیه‌ای، کم‌اهمیت و جایگاه پایین‌تر آن نسبت به منطق و استدلال دانسته‌اند که به راحتی در شرایط سخت فراموش شده و یا به کلی فاقد ارزش تلقی می‌شوند (Tahmasbzadeh Sheikhlar & Alamhoda, 2015:6 and Eisner, 1985). گواه این امر در کم‌توجهی به اهمیت تربیت زیبایی‌شناسانه و حتی غیبت آن در پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه آموزش معماری نیز به خوبی مشهود است؛ بنابراین به نظر می‌رسد آنچه در پژوهش‌های انجام شده در حوزه زیبایی و نگاه زیبایی‌شناختی در معماری مغفول مانده، جنبه آموزش آن است. ارزیابی کیفیت و تبیین رویکرد آموزشی غالب در تربیت زیبایی‌شناسانه دانشجویان معماری در مراکز آموزش عالی معاصر، نگاهی جدید به این جنبه از هنر سرزمین ماست که در پژوهش حاضر مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

به طور کلی تاکنون پژوهش‌های گسترده‌ای در حوزه آموزش معماری، از نقطه نظرهای خاص انجام گرفته است. نتایج این پژوهش‌ها نشان از توجه به امر محتوای آموزش معماری در جهت کیفیت‌سنجی در این زمینه است. از جمله آخرین پژوهش‌های صورت گرفته

زیبایی به عنوان مفهومی پیچیده و غامض همواره مورد توجه فیلسوفان و دانشمندان بوده است. پیچیدگی این مفهوم همانند سایر مفاهیمی که جنبه‌های متافیزیک دارند، باعث شده است تا بعضی متفکران و صاحب‌نظران در برابر ارائه مفهوم آن اظهار عجز و گمگستگی و حتی بی‌نیازی نمایند (Ahmadi, 2017: 54). معماری و شهرسازی امروز ما از محدود حیطه‌هایی است که اغتشاش و ناموزونی ناشی از عدم تعریف صحیح مفهوم زیبایی در آن مشهودتر از سایر حیطه‌های هنری است. به‌هم‌ریختگی در اساس، سبک و نگاه زیبایی‌شناختی به اثر معماری که با ورود جهان به عصر پست‌مدرن آغاز شده بود، در حال حاضر در وضعیت بی‌سابقه‌ای به سر می‌برد. اعمال سلیقه و مشارکت در طراحی خیل عظیمی از کارفرمایان ایرانی که فاقد نگاهی تربیت شده به معماری بوده و هر از گاهی به شکلی و سبکی از معماری دل می‌بندند و پاسخ معماران آموزش دیده در نظام پریشان و تکثرگرایی معاصر یا ساختمان‌سازی که معماری را همچون شغلی برای کسب درآمد و نه مسئولیتی در برابر جامعه می‌دانستند، به مطالبات آن‌ها، به این موقعیت دامن زده است (Hojjat & Aghalatif, 2016: 52; Dibaj, 2010: 33). پیامد این مطلب را می‌توان در خشونت رو به تزاید شهرها و جوامع شهری، از دست یافتن اصالت و هویت ملی و نیز از همه مهم‌تر، تغییر معیارها و مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی معماری و شهرسازی معاصر پیگیری نمود؛ اما به راستی سهم منظومه آموزش در اصلاح این جریان تا چه اندازه است؟ به استناد عمده پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه زیبایی‌شناسی (Aesthetic) (Hanfling, 1998; Yousefain, 2000; Tahbaz, 2003; Vaezi, 2018)

مؤلفه «تربیت‌پذیری» به عنوان یکی از مهمترین عوامل مداخله‌گر در چگونگی ادراک زیبایی قابل استناد است؛ به این مفهوم که آموزش می‌تواند در افزایش ادراک زیبایی دخالت داشته باشد و این احساس را تکامل بخشد. از طرفی متفکران و فیلسوفان این حوزه، همواره

برای متخصصان برنامه‌درسی جدید نیست. در سال ۱۹۸۳ «ماگسین گرین» (Green, 1983) این اصطلاح را برای توصیف نوع احساسی که می‌توان کسب کرد یا شکلی از «آگاهی مفهومی» که افراد را قادر می‌سازد پنبه را (از گوش) زندگی روزانه‌کننده و بسیار آگاهانه زندگی کنند، به کار برد. در این زمینه همچنین دیویی (Dewey) با طرح نظریه‌تجربه‌زیبایی‌شناختی در تعلیم و تربیت، به تبیین رابطه‌بین تجربه‌های زیبایی‌شناسی و زندگی پرداخته است. به اعتقاد وی، تجربه‌زیبایی‌شناسی می‌تواند منجر به اتحاد شناخت از طریق درهم آمیختن سازه‌های متمایزی مانند عقل و روح، شادمانی و سودمندی، معنا و هدف، پویایی‌ها و وحدت شده و بدین ترتیب در ارتقاء حوزه شناختی انسان به طرز قابل توجهی مؤثر است. در این دیدگاه نتیجه و کاربرد این تجربه، شامل احساس، معناسازی، همدردی و تخیل‌ورزی، در تعلیم و تربیت و به‌ویژه در رشد اخلاقی جامعه بسیار مؤثر شمرده می‌شود؛ به این ترتیب که هنر احساسات را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با تلفیق عقل و احساس می‌تواند به تدریج منجر به تغییر مؤثر در جهان شود (Ansary, Nasrabadi, Liaghatdar & Bagheri, 2014).

در این راستا همچنین کاظم‌پور و همکاران (kazempour, Ghaffari, Oughani Hamedani, 2017) در پژوهشی به بررسی تأثیر برنامه‌درسی آموزش هنر دیسیپلین‌محور بر تربیت هنری دانش‌آموزان دوره ابتدایی پرداخته‌اند. به استناد نتایج پژوهش، برنامه‌درسی در حوزه زیبایی‌شناسی بر تربیت هنری دانش‌آموزان و ارتقاء مهارت‌های ادراکی آن‌ها به میزان قابل توجهی مؤثر است. به اعتقاد گال (Gall, 2005) نیز، زیبایی‌شناختی فراهم‌کننده یک لنز و شیوه دیدن فراسوی رویکردهای ابزاری و روشی است که ما را قادر می‌سازد از زندگی‌های آمیخته با رویکرد زیبایی‌شناسی، مفاهیمی را که به لحاظ تناقض هرگز قابل بیان نیستند، یاد بگیریم (Eisner, 1985). از جمله پژوهش‌هایی که در ایران به طور مشخص به اثبات اهمیت آموزش در ارتقاء دیدگاه

در حوزه آسیب‌شناسی آموزش معماری، پژوهش‌های عیسی حجت (Hojjat, 2011) است؛ وی در این پژوهش‌ها به تشریح زمینه‌های لازم برای تحقق آموزش صحیح معماری و نیز پرورش معمار پرداخته است. به اعتقاد وی مهم‌ترین آسیب در سیر تحول نظام آموزش معماری، به نظام حاضر در عرصه «بینش»، یا به عبارتی سمت و سوی به کارگیری دانش‌ها و توانش‌ها در فرآیند آفرینش اثر اتفاق افتاد؛ به گونه‌ای که در شیوه آموزش مدرن، به ناگهان بینش‌های اعتقادی و هنجارهای قومی، بومی و سرزمینی کنار گذاشته شد و مبانی تفکر مدرن جایگزین آن شد و در شیوه بعد از مدرن نیز به رواج «بی‌شیوگی» در آموزش معماری پرداخته شد که در نهایت آموزشی بی‌هدف و سرگردان را رقم زد. غریب‌پور و توتونچی (Gharibpour & Totonchi, 2016) نیز در پژوهشی، بر ضعف توجه به «مؤلفه‌های فرهنگی» در برنامه‌های آموزش معماری در دوره کارشناسی، تأکید داشته‌اند.

شایان توجه است با وجود گستردگی پژوهش‌های صورت گرفته درباره بحث کیفیت آموزش معماری از جنبه‌های مختلف، هنوز پژوهشی جامع در حوزه ارزشیابی کیفیت تربیت زیبایی‌شناختی دانشجویان در مراکز آموزش عالی ایران انجام نگرفته است. طهماسب‌زاده شیخ‌لار و علم‌الهدی (Tahmasbzadeh Sheikhlar & Alamalhoda, 2015) در پژوهشی درباره علت غیبت مفهوم زیبایی‌شناسی در بحث‌های یادگیری و برنامه‌درسی اینگونه می‌نویسند: «اهمیت سواد زیبایی‌شناسی در برنامه‌درسی زمانی بیشتر کاهش می‌یابد که زیبایی‌شناسی به عنوان پاسخ و واکنش‌های فردی یا احساسی تلقی می‌شود که تنها می‌تواند در سطح فردی درگیر باشد؛ به عبارت دیگر زیبایی‌شناسی عموماً به عنوان مفهومی غیرملموس شبیه به مفهوم خلاقیت تلقی می‌شود که ما آن را برای تفکر درباره اصطلاحات رمانتیک آثار فردی برای خلق یک کار بسیار اصیل به کار می‌بریم. با وجود ناآشنا بودن مفهوم تربیت زیبایی‌شناختی برای برخی، خوشبختانه این اصطلاح

معماران جوان، تفاوت‌چندانی در ارزیابی اولویت‌های زیبایی‌شناختی معماران در مراحل اولیه کاری دارای ابهام است. در زمینه شیوه آموزش مؤثر بر تربیت زیبایی‌شناختی دانشجویان نیز، مهدوی‌نژاد و همکاران (Mahdavinejad, Bahtooei, Hossei, 2014) زیبایی‌شناختی ساختمان‌ها ندارند. بر این اساس یافته‌ها حاکی از آن است که تغییرات حرفه‌ای در تخصص و او nikia, Bagheri, Motlagh et al., 2014) در تحقیقی جامع دو شیوه آموزش را مؤثر دانسته‌اند. در این پژوهش کیفی، نتایج نشان‌دهنده آن بود که آموزش‌های تئوری و عملی به صورت همزمان در تربیت زیبایی‌شناسانه دانشجویان تأثیرگذار است؛ به گونه‌ای که آموزش‌های تئوری قادر است بر داده‌های ذهنی دانشجو افزوده و آموزش‌های عملی تحول شیوه تفکر و ارتقاء بینش وی را به دنبال خواهد داشت.

مرور ادبیات موضوع نشان می‌دهد، عمده مطالعات انجام شده در این حوزه بر تأثیر شیوه و محتوای آموزش در کیفیت ادراک زیبایی‌شناختی دانشجویان تأکید داشته‌اند. با وجود انجام برخی پژوهش‌ها در این زمینه، پژوهشی که در آن به صورت نظام‌مند، مؤلفه‌های مؤثر در تربیت زیبایی‌شناسانه دانشجویان معماری شناسایی و موشکافی شده و میزان اهمیت آن‌ها در نظام آموزش عالی فعلی مورد ارزیابی قرار گیرد، در دسترس نیست. پژوهش حاضر تلاشی برای پر کردن این شکاف تحقیقاتی است که با توجه به چندوجهی بودن موضوع مورد پژوهش، از بررسی چندجانبه برای اعتباربخشی به تحقیق و در نتیجه راهبردهای ترکیبی (Mixed Method) به عنوان محصول روش‌های تحقیق چندگانه بهره گرفته شده است. در این راستا همچنین نقش نظام آموزشی در جهت‌دهی به سلیقه زیبایی‌شناختی دانشجویان و به عبارتی معماران آینده این سرزمین و رویکردهای اصلاحی لازم در این زمینه مورد مذاکره قرار می‌گیرد؛ بدین ترتیب دو پرسش اصلی مطرح در این پژوهش که در پیشبرد آن نقش اساسی ایفا می‌کند قابل طرح است: مؤلفه‌های مؤثر در تربیت زیبایی‌شناسانه

زیبایی‌شناختی دانشجویان پرداخته است، می‌توان به مقاله مهدوی‌نژاد و ناگهانی (Mahdavinejad & Nagahani, 2011) اشاره نمود؛ دستاوردهای پژوهش نشان‌دهنده آن است که تفاوت معناداری میان دیدگاه زیبایی‌شناختی دانش‌آموختگان و استادان معماری با دانش‌آموختگان در حوزه غیر معماری وجود دارد؛ همچنین افرادی که از دانش بصری برخوردارند با توجه به آموزش‌ها و تجربه‌های کسب شده در طول دوران تحصیل و کار حرفه‌ای، مفاهیمی چون الهام از معماری گذشته، آب، نور، شفافیت، ارتباط بصری و مفاهیم مشابه را به عنوان عوامل مهم زیبایی در نمره دادن مد نظر داشته‌اند. در زمینه ارزیابی تأثیر محتوای آموزش بر قضاوت زیبایی‌شناسانه دانشجویان نیز مطالعاتی صورت گرفته است. در این زمینه گریپ و گریپ (Garip & Garip, 2012) پژوهشی مدون با هدف تأکید بر نیاز و ارزش همکاری میان دانشجویان مهندسی عمران و معماری انجام داده است. در این راستا محققان به بررسی و تبیین تفاوت‌ها و شباهت‌های دانشجویان دو رشته در ارزیابی زیبایی‌شناسانه آثار و همچنین کشف ترجیحات بصری آن‌ها می‌پردازند و در نهایت بر این نکته تأکید دارند که پس‌زمینه آموزشی متفاوت دانشجویان در روش درک و ارزیابی زیبایی‌شناختی آن‌ها مؤثر است. بیشتر مطالعات مشابه در این زمینه نیز تفاوت قابل‌توجهی بین معماران متخصص و با تجربه و سایر افراد در ارزیابی زیبایی‌شناسانه آثار را نشان داده‌اند. سافاروا و همکاران (Safarova, Pírko, Jurík, Pavlica, & Németh, 2019) برای ارزیابی میزان تغییر در دیدگاه و سلیقه زیبایی‌شناختی در دانش‌آموختگان جوان رشته معماری، این امر را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ بدین منظور این تحقیق بر روی نمونه‌ای از معماران جوان متمرکز شد تا دریابد آیا تغییر حرفه‌ای از اولویت‌های زیبایی‌شناختی محبوب عامه مردم، می‌تواند در مراحل اولیه آموزش حرفه‌ای آن‌ها مشاهده شود یا خیر. نتایج تحقیق، روندی مخالف تحقیقات اصلی پیشین را نشان داد که بر اساس آن افراد عادی و

استفاده از رویکردی هدفمند انتخاب شدند. در نهایت برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این فرآیند از روش داده‌بنیاد (Grounded Theory) بهره گرفته شده است. با توجه به موضوع مورد بررسی در مجموع، تعداد منابع شناسایی شده در دو حوزه «زیبایی در معماری» و «آموزش عالی در حوزه زیبایی‌شناسی در معماری» در بازه زمانی معرفی شده ۱۳۰ مورد بوده است که در فرآیند انتخاب منابع مناسب برای تحلیل، تعدادی از منابع بر اساس عنوان، چکیده، محتوا و کیفیت پژوهش رد شده و در نهایت ۵۴ منبع برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. با تحلیل و بررسی منابع منتخب، ضمن شناسایی نظام‌مند اشتراکات و افتراقات نظریات در دو حوزه معرفی شده با تکیه بر پارادایم مدل نظریه داده‌بنیاد، در سه مرحله کدگذاری باز (Open Coding)، محوری (Axial Coding) و انتخابی (Selective Coding)، صورت پذیرفت و در نهایت با جمع‌بندی معیارها و زیرمعیارهای زیبایی در معماری با فرهنگ ایرانی و شناسایی ماهیت و شیوه‌های آموزش مؤثر در حوزه زیبایی‌شناسی در گام بعد استخراج چارچوبی محتوایی و الگوی مؤلفه‌های مؤثر بر تربیت زیبایی‌شناسانه دانشجویان معماری، حاصل تحلیل فراترکیب مورد مذاقه قرار گرفت.

شیوه گردآوری داده‌ها در مرحله دوم، پیمایش با ابزار پرسشنامه و روش مشاهده است. در این راستا از دو نوع پرسشنامه تصویری و غیر تصویری تدوین شده، مبتنی بر یافته‌های حاصل از مرحله اول بهره گرفته شد. بر این اساس پرسشنامه‌ای در سه بخش اصلی و هفت بخش فرعی، مبتنی بر شاخص‌ها و الگوی مؤلفه‌های شناسایی شده حاصل از مرحله اول، در مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت (Likert scale) برای سنجش دانشجویان تدوین شد. از آنجا که به استناد نتایج یکی از آخرین تحقیقات صورت گرفته در حوزه آموزش زیبایی‌شناسی (Safarova et al., 2019) تغییرات حرفه‌ای در اولویت‌های زیبایی‌شناختی دانشجویان در مراحل اولیه آموزش دارای ابهام است. جامعه هدف در

دانشجویان معماری یا به عبارتی بنیان‌های آموزش در این عرصه کدام است؟ میزان انطباق شیوه‌های آموزش در مراکز آموزش عالی مورد سنجش با مؤلفه‌های مذکور چگونه است؟ در این راستا همچنین تبیین رویکرد غالب آموزشی حال حاضر در حوزه تربیت زیبایی‌شناسانه در مراکز آموزش عالی معماری و کشف جنبه‌های مغفول‌مانده در جریان آموزش در این حوزه مورد تحلیل و بررسی می‌گیرد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف یک تحقیق کاربردی و از نظر ماهیت و روش در شمار تحقیقات توصیفی-تحلیلی و در طیف مطالعات ارزشیابی قرار می‌گیرد. به لحاظ نحوه جمع‌آوری داده‌ها روش مورد استفاده روش آمیخته است. در مطالعه حاضر در مرحله اول، پیرامون ماهیت تجربه زیبایی‌شناختی و بنیان‌های تربیت زیبایی‌شناختی دانشجویان معماری در مراکز آموزش عالی بحث گردید. سپس در خصوص سنجش میزان موفقیت مراکز آموزش عالی مورد نظر در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد در انتقال صحیح و متناسب این بنیان‌های آموزشی به دانشجویان از آزمون‌های عملی بهره گرفته شد.

شیوه انجام پژوهش در مرحله اول، به روش فراترکیب (Meta-Synthesis) است که مشابه فراتحلیل، برای یکپارچه‌سازی چندین مطالعه به منظور ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری صورت می‌گیرد. مهمترین مزیت این روش «توانایی آن در شناسایی مضامین مشترک و ساختن چارچوب‌های مفهومی از ادبیات مرتبط است» (Carlson & Palmer, 2016). در این مرحله جامعه آماری کلیه پژوهش‌های منتشر شده در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر داخلی و خارجی‌اند که بر اساس کلیدواژه‌های تعریف شده و برای دستیابی به نمونه‌هایی که اشباع نظری را موجب شوند، پیمایش شدند. جستجوی کلیدواژه‌ها بازه زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۸ را در بر گرفته و در این راستا مرتبط‌ترین مطالعات با

برای آزمون روایی (Validity) پرسشنامه تدوین شده در سنجش متغیرهای تحقیق، از روش روایی محتوا استفاده شده است. در این راستا پرسشنامه تدوین شده به همراه جدول هدف، سؤالات و فرضیات در اختیار ده نفر از خبرگان و افراد صاحب‌نظر و کارشناس در زمینه تحقیق مربوط قرار گرفت. خبرگان منتخب به این منظور از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های دولتی و آزاد بوده که سابقه بالایی در تدریس دروس عملی طراحی معماری را نیز داشته‌اند. در این فرآیند برخی سنج‌های پرسشنامه تدوین شده بر اساس نظرات خبرگان حذف و برخی پس از مشورت و مصاحبه با این متخصصان امر، تعدیل و اصلاح شدند. همچنین برای سنجش پایایی (Reliability)، از ضریب آلفای کرونباخ (Cronbach's alpha coefficient) و برای محاسبه آن از نرم‌افزار اسپس-اس (Spss) در دو مرحله بهره گرفته شد. با احتساب ۱۰ درصد اول و ۱۰ درصد دوم جامعه نمونه، برای بررسی پایایی پرسشنامه از دو نمونه اولیه با حجم ۳۲ نفر استفاده شد. میزان آلفای کرونباخ برای تمام بخش‌های پرسشنامه بیش از ۰/۷ و برای کل پرسشنامه در مرحله اول معادل ۰/۸۹ و در مرحله دوم معادل ۰/۹۲ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

۱. تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر تربیت زیبایی‌شناسانه دانشجویان معماری

۱-۱. ابعاد ماهیت زیبایی در معماری

نظریات زیبایی‌شناسی محیطی تدوین شده در دو نگرش روان‌شناختی (متأثر از فرآیند ادراک) و رویکرد روانکاوانه و متافیزیکی (متأثر از فلسفه زیبایی‌شناسی)، بر مبنای رویکرد اکولوژیک، ادراک به سه دسته کلی زیبایی‌شناسی حسی، فرمی و نمادین تقسیم‌بندی می‌شوند (Lang, 2011:209). بیشتر نظریه‌ها امروزه به طور ضمنی یا صریح ماهیت تجربه زیبایی‌شناختی محیط را شامل این سه ارزش می‌دانند. نکته قابل توجه در این باره آن است که این سه نوع زیبایی‌شناسی

تحقیق حاضر نیز دانشجویان کارشناسی ترم پنجم و بالاتر و کارشناسی ارشد ترم دوم و بالاتر در نظر گرفته شدند؛ بدین منظور کلیه دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد که در ترم‌های مذکور در مراکز آموزش عالی استان گیلان در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ مشغول به تحصیل بودند، به عنوان جامعه آماری انتخاب شده و پرسشنامه تهیه و توزیع گردید. پرسشنامه‌های دانشجویان با توجه به جامعه آماری کل معادل ۲۰۵۰ نفر و بر اساس جدول کرجسی-مورگان (Krejcie & Morgan) ۳۲۷ نمونه تعیین شد.

همچنین برای سنجش کاملتر کیفیت تربیت زیبایی‌شناسانه و تبیین سمت و سوی سلیقه زیبایی‌شناختی پرورش‌یافته جامعه مورد نظر به روش مشاهده، از پرسشنامه تصویری نیز بهره گرفته شد. در این راستا حدود ۳۰ درصد جامعه مورد نظر برای پاسخگویی به این پرسشنامه به صورت تصادفی انتخاب و مورد سنجش قرار گرفتند. پرسشنامه تصویری تدوین شده با هدف سنجش میزان گرایش به زیبایی فرمال و نمادین در ارزیابی زیبایی‌شناختی دانشجویان، شامل ده تصویر از آثار معماری معاصر ایران در دو گروه است. آثار منتخب یا از آثار تقدیر شده در گروه‌های تخصصی مانند جامعه مهندسان مشاور، مجله معمار و جشنواره‌های بین‌المللی بوده و یا در زمره آثار مشهور در معماری معاصر ایران و جزو آثار برجسته این سرزمین به شمار می‌روند. در میان این آثار منتخب، پنج اثر از حیث زیبایی‌شناسی گرایش بیشتری به زیبایی فرمال داشته و پنج اثر گرایش بیشتری به زیبایی نمادین متناسب با فرهنگ این سرزمین داشته‌اند. همچنین دو اثر از بناهای گروه دوم از آثار ملی و میراث فرهنگی این سرزمین انتخاب شده و سه اثر از آثار معماران معاصر که با نگاهی نوین، به بهره‌گیری از ارزش‌های نمادین در فرهنگ ایرانی در خلق اثر پرداخته‌اند. در این راستا از دانشجویان خواسته شد به ۱۰ بنای منتخب که در جدول ۲ معرفی شده‌اند، امتیازی به عنوان نمره زیبایی اثر از طیف ۱ تا ۲۰ اختصاص دهند.

(2011:214). انواع سمبل‌های مرتبط با معماری، به دو گروه اصلی تقسیم‌بندی می‌شوند: اول سمبل‌های طبیعی یا جهانی که مربوط به اعداد و اشکال هندسی‌اند و نوعی همه‌فهمی در سیستم ادراکی انسان در مورد آن‌ها دیده می‌شود؛ دوم سمبل‌های متعارف قومی یا اجتماعی که جهان‌شمول نیستند؛ ولی بین مردمی از فرهنگی خاص یا گروه اجتماعی خاصی به عللی شکل گرفته و معنادار شده‌اند. آنچه در این راستا حائز اهمیت است آن است که بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، مفاهیم سمبولیک دریافتنی توسط مردم باید در باورها و شناخت‌های آن‌ها ریشه داشته باشند تا توسط آن‌ها پذیرفته شوند. عدم توجه به این مسأله به‌ویژه در سبک‌های جدید معماری در دهه‌های اخیر، مسأله‌ساز بوده و فاصله بین معماران روشنفکر و مردم جامعه را خصوصاً در کشوری مانند ایران که این سبک‌ها حاصل تحولات طبیعی جامعه آن‌ها نیست، روز به روز بیشتر کرده است. تجربه نشان داده است، معمارانی در این زمینه موفق بوده‌اند و طرح‌هایشان به دل مردم نشست است که زیبایی معماری خود را از معانی سمبولیک فرهنگی و مأنوس بین مردم جامعه انتخاب کرده‌اند (Shahcheraghi & Bandarabad, 2016)؛ زیرا اصول معنوی حاکم بر معماری ایرانی ریشه‌های عمیقی در فرهنگ و اندیشه‌های این مرز و بوم دارند.

آثاری چون مطالعات معماری ایران از استاد پیرنیا، بررسی ارزش‌های پایدار در معماری ایران اثر علی اکبر صارمی و مطالعات تیتوس بورکهارت، سید حسین نصر و پیروان آن‌ها چون نادر اردلان، از جمله آثار برجسته در زمینه بررسی ویژگی‌های معماری ایران است. در حال حاضر نیز مطالعاتی در باب معماری سنتی صورت گرفته که در آن‌ها سعی بر بررسی ارزش‌های معماری سنتی با رویکردهای متفاوت و موضوعات مختلف بوده است (Soleimani & Mondegar, 2017:68). با این حال با وجود مطالعات مختلفی که در زمینه معماری اسلامی در ایران به انجام رسیده است، تاکنون پژوهشی سازمان یافته و مدون پیرامون مفاهیم و معانی برجسته

محیطی، در واقع سه سطح از تجربه‌ای زیبایی‌شناختی به شمار می‌روند؛ به گونه‌ای که دارای سلسله‌مراتب و طول عمر متفاوتی‌اند. بر این اساس تجربه پدیده‌ها یا به طور اخص محیط، زمانی به لحاظ زیبایی‌شناسی، زیباست که در برگزیده سه جزء باشد: «تجارب لذتبخش حسی، یک ساختار ادراکی لذتبخش و تداعی‌های نمادین لذتبخش» (Cuthbert, 2006). اگرچه در این فرآیند احساس، بر ادراک و شناخت تقدم دارد؛ اما طول عمر این سطح اولیه تجربه زیبایی‌شناختی در گرو سطوح بالاتر این تجربه؛ یعنی در مرحله شناخت و در نهایت ارزیابی‌شناختی قرار دارد. در همین راستا آنچه در ارتباط با تجزیه و تحلیل مفهوم زیبایی در معماری نیز اهمیت دوچندان یافته، دو نوع زیبایی فرمال (فیزیک مجرد) و زیبایی سمبولیک (آمیخته با مفاهیم) است.

مجموعه‌ای از مطالعات روان‌شناسان گشتالت (Gestalt) و سایر گروه‌هایی که در زمینه زیبایی محیطی مطالعه کرده‌اند، کیفیت سمبولیک محیط را مهم‌ترین عامل در ادراک زیبایی می‌شمرند و بر ارتباطی درونی و ذاتی بین زیبایی فرمال و سمبولیک تأکید دارند. درباره معیارهای زیبایی فرمال، هاسپرس (Haspers) با تلفیق نظریات روان‌شناسان گشتالت، به عنوان اولین گروهی که با دیدگاهی علمی و روانشناسی به بررسی عوامل مؤثر در ادراک زیبایی فرمال پرداخته‌اند و اندیشمندان معاصر و اصلاح و تعمیم آن‌ها جمع‌بندی ارائه داده است. بر این اساس معیارهای اصلی زیبایی فرمال شامل پنج معیار مضمون یا وحدت، تغییر مضمون، توازن و تعادل، تکامل یا تطور اجزاء از حیث زمانی و امساک یا صرفه‌جویی در تمهیدات جلب توجه توسط وی معرفی شده است (Tahbaz, 2003:90).

آنچه می‌تواند عمر زیبایی یک پدیده را افزایش دهد، همراهی آن با مفاهیم و معانی است. هرچه این معانی با عمق بیشتری به روان ما نفوذ کنند، عمر زیبایی افزایش می‌یابد و در عمیق‌ترین لایه‌های روانی به زیبایی جاودانی یا سمبولیک ختم می‌شود (Lang,

در معماری ایرانی یا به تعبیری سمبلیسم متعارف این در «مفاهیم سمبولیک در معماری ایرانی»، از روش سرزمین صورت نگرفته است؛ بنابراین در این بخش پس از تحلیل سوابق موجود در این حوزه، برای جمع‌بندی

جدول ۱: کدگذاری مفاهیم سمبولیک در معماری ایرانی به روش داده بنیاد، مأخذ: نگارندگان

مقوله اصلی	مؤلفه‌ها	مفاهیم	کدها	برخی منابع استخراج کدها
مفاهیم زیبایی‌شناختی نهادین در معماری ایرانی	اصل وحدت در کثرت	تکرار و توازن	تکرار و تناسب در وزن هندسی گرایش به سادگی، عنصر تکرار، تنوع محدود	(Burckhardt, 2009) (Nayebi, 2002)
		گرایش به فرم های هندسی مرکزگرا	فرم های هندسی مرکزگرا توجه به مرکزیت	(Ardalan and Bakhtiar, 2011)
		اصل توحید	اصل توحید	(Dibaj, 2016)
اصل شفافیت و سبکی	ساختار سلسله‌مراتبی به سوی مرکز	ساختار سلسله‌مراتبی به سوی مرکز	ساختار سلسله‌مراتبی به سوی مرکز اهمیت سلسله‌مراتب در رنگ‌بندی عناصر	(Aavani, 1996) (Mirmiran, 1996)
		کاهش جرم و افزایش فضا	تقلیل فضای مادی به خلأ کاهش جرم ماده به واسطه نفوذ نور افزایش فضا به واسطه ویژگی انعکاس	(Kiani, Behjou and Rastian Tehrani, 2016) (Nasr, 1971)
		افزایش شفافیت	افزایش شفافیت، سبکی معنوی	(Haeri, 1996)
اصل محرمیت فضایی	ارتقاء بعد روحانی فضا	حرکت از توده ماده به روح	حرکت از توده ماده به روح	(Toofan, 2006)
		اهمیت سلسله‌مراتب	روح‌بخشی به فضا به واسطه نور اهمیت سلسله‌مراتب فضایی	(Qayyoomi Bidhendi and Abdollahzadeh, 2012)
		اصل محرمیت	درونگرایی، اهمیت حجاب ارزش مفهوم حریم اهمیت محرمیت فضایی و کنترل اشراف	(Pimia, 2010) (Majlesi, 2005)
اهمیت پیوند با طبیعت	هماهنگی و ارتباط با طبیعت	تعریف حوزه اندرونی و بیرونی تفکیک خصوصی و عمومی	تعریف حوزه اندرونی و بیرونی تفکیک فضا به عرصه خصوصی و عمومی	(Momeni and Naseri, 2016)
		هماهنگی و ارتباط با طبیعت	اصل هماهنگی با طبیعت الهام از طبیعت، احترام به طبیعت ارتباط حداکثری با طبیعت	(Aghalatif and Kolyaii, 2018) (Nasr, 1987)
		اهمیت طبیعی	اهمیت نقش حیاط در خانه ایرانی، اهمیت آب به عنوان عنصری طبیعی	(Eliade and Adams, 1987)
اصل تداوم فضایی	فضای پیوسته	پیوستگی فضایی	پیوستگی فضایی	(Shahcheraghi and Bandarabad, 2016)
		امکان بسط فضایی	امکان بسط فضایی	(Hojjat, 2013)
		سیالیت فضایی	اهمیت فضای موج و بی مانع انعطاف‌پذیری فضا، سیالیت فضایی	

بر این اساس با توجه به ماهیت داده‌های حوزه زیبایی فرمال و نمادین، در شیوه مستقیم اطلاعات مربوط به حوزه مؤلفه‌های زیبایی فرمال به ذهن دانشجو اضافه می‌شود و در شیوه غیرمستقیم مفاهیم مربوط به حوزه زیبایی نمادین در ذهن دانشجو متحول می‌شود؛ این فرآیند باعث افزایش دامنه واقعیت‌ها و غنی‌سازی ذهن دانشجو می‌شود. در این روند او واقعیات و ذهنیت دریافتی را با هم مقایسه می‌کند و واقعیات را متناسب با ذهنیت خود تغییر می‌دهد. تکرار این چرخه در فرآیند آموزش در قالب دروس نظری و عملی افزایش ذخایر مغزی یا ارتقاء دانش، بهبود شیوه تفکر یا ارتقاء بینش، بهبود عمل و در نهایت ارتقاء دیدگاه زیبایی‌شناسانه دانشجویان را به دنبال خواهد داشت.

آنچه در امتداد تحلیل‌های فوق اهمیت دارد آن است که یک معمار باید استعداد و توانایی ایجاد ارتباط منطقی بین دانش‌ها و ارزش‌های فراگرفته شده در این عرصه را در قالب یک طرح معماری نیز داشته باشد؛ این امر بر ضرورت توجه به عرصه «توانش» به عنوان سومین بنیان آموزش معماری در حوزه تربیت زیبایی‌شناختی دانشجویان تأکید دارد.

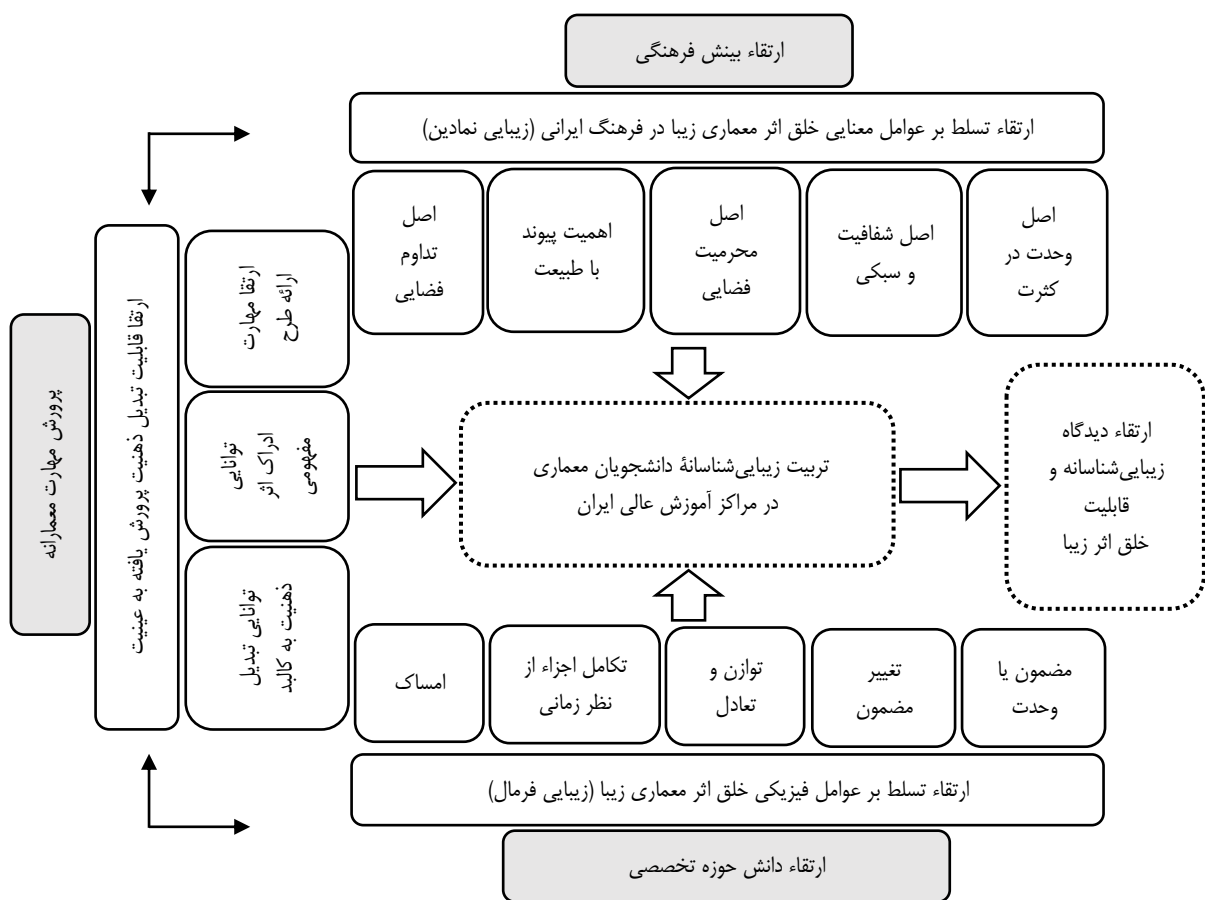
از آنجا که دانشجویان معماری در ایران عمدتاً از رشته ریاضی و فیزیک گزینش می‌شوند؛ بنابراین پرورش تفکر خلاق، پرورش بینش و معارف کل‌نگر نسبت به معماری و شناخت جایگاه معماری در ساحت هنر برای آن‌ها ضرورت دارد. بر اساس مجموعه مبانی موجود در این زمینه، حوزه توانش در عرصه معماری به پنج بخش تقسیم می‌شود که شامل «مهارت‌های طراحی، مهارت‌های ارائه، مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های تحلیلی و مهارت‌های مدیریتی» است. در این میان «توانایی ادراک طراحی مفهومی» در کنار «قابلیت سازمان‌دهی تفکرات ذهنی و تسلط بر تکنیک‌های ساخت و ساز» به عنوان کلیدی‌ترین مؤلفه‌ها در حوزه مهارت‌های طراحی عرصه توانش معرفی شده است و این همان چیزی است که دانشجو در جریان بهره‌گیری از دانش و بینش زیبایی‌شناختی به

در جدول ۱، کدهای استخراج شده، مفاهیم و ابعاد موضوع مورد بررسی و برخی از منابع استخراج کدها به روش مذکور بیان شده است. در این فرآیند ۳۵ کد استخراج شده در مرحله کدگذاری باز به ۱۵ مفهوم و در نهایت به ۵ مؤلفه کاهش یافت. بر این اساس می‌توان «مفاهیم سمبلیک در معماری ایرانی» که زیبایی نمادین در این هنر را رقم می‌زند، در قالب پنج معیار که بارها در تحقیقات متعدد مورد تأکید قرار گرفته‌اند، خلاصه نمود. این معیارها شامل اصل «وحدت در کثرت»، «شفافیت و سبکی»، «محرمیت فضایی»، «پیوند با طبیعت» و «تداوم فضایی» است.

۲-۱. ماهیت و شیوه‌های آموزش مؤثر در حوزه زیبایی‌شناسی با شناسایی نظام‌مند معیارها و زیرمعیارهای «زیبایی در معماری با فرهنگ ایرانی»، در گام بعد تبیین ماهیت و شیوه‌های آموزش مؤثر در حوزه زیبایی‌شناسی در مدارس معماری مد نظر قرار گرفت. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد در این زمینه، مهدوی‌نژاد و همکاران (Mahdavinejad et al., 2014) در تحقیقی جامع دو شیوه آموزش تئوری و عملی را به صورت همزمان در تربیت زیبایی‌شناختی دانشجویان مؤثر دانسته‌اند؛ به گونه‌ای که دروس نظری اطلاعاتی را به ذهن دانشجو اضافه کرده و دروس عملی و آتلیه‌ای بر نقشه‌های ذهنی و مفاهیم موجود در ذهن دانشجو تأثیر می‌گذارند؛ به عبارت دیگر آموزش‌های تئوری اطلاعاتی‌اند که دانشجو آن‌ها را بر اساس یافته‌های ذهنی و نگاه زیبایی‌شناختی به دست آمده در درس‌های عملی تحلیل می‌کند و به کار می‌گیرد. در این فرآیند او واقعیت و ذهنیت را با هم مقایسه می‌کند، ذهنش را توسعه می‌دهد و سپس با ابزارهای مشترک آن‌ها را معرفی می‌کند. دانشجو با انجام این کار واقعیات را متناسب با ذهنیت خود تغییر می‌دهد و به نگرش ذهنی خود اضافه می‌کند؛ بنابراین به موازات افزایش ذخایر مغزی، شیوه نگرش و عمل وی نیز بهبود می‌یابد و در نهایت این فرآیند کیفیت دیدگاه زیبایی‌شناسانه را در ذهن دانشجویان بهبود خواهد بخشید.

زیبایی‌شناختی یک معمار باید در سه حوزه پرورش و تربیت یابد: حوزه دانشی، حوزه توانشی و حوزه بینشی؛ به تعبیر دیگر ماهیت آموزش معماری در حوزه زیبایی‌شناسی باید با هدف تربیت معمارانی باشد که مسلط به دانش حوزه تخصصی در این زمینه باشند و این دانش را در جهت صحیح و در خدمت جامعه به کارگیرند و مهارت معمارانه خلق اثر را نیز داشته باشند.

صورت توأمان در راستای خلق اثر بدان نیاز خواهد داشت. آنچه از آموزه‌های مهارتی در این حوزه انتظار می‌رود آن است که قابلیت ادراک و خلق اثر مفهومی و همچنین فرآیند انتقال ذهنیت پرورش یافته به عینیت و کالبد معماری را در دانشجو تسهیل نمایند. این همان صنعتی است که انتظار می‌رود هنرمند معمار به آن مجهز باشد (Sedaghati & Hojjat, 2019: 109)؛ بنابراین در جمع‌بندی می‌توان گفت دیدگاه



نمودار ۱: الگوی مؤلفه‌های مؤثر بر تربیت زیبایی‌شناسانه دانشجویان معماری با رویکرد فراترکیب، مأخذ: نگارندگان

دانش زیبایی‌شناسانه: فارغ‌التحصیل معماری لازم است بر مفاهیم و معیارهای زیبایی فرمال تسلط داشته و توانایی به کارگیری این معیارها در خلق اثر را بیاموزد. بینش زیبایی‌شناسانه: فارغ‌التحصیل معماری لازم است بر مفاهیم و معیارهای زیبایی نمادین در فرهنگ ایرانی تسلط داشته و توانایی به کارگیری این معیارها

با توجه به موارد مطرح شده الگوی مؤلفه‌های مؤثر بر تربیت زیبایی‌شناسانه دانشجویان معماری، به شرح نمودار ۱ قابل تبیین است؛ به عبارت دیگر انتظارات از دیدگاه زیبایی‌شناسانه پرورش یافته یک فارغ‌التحصیل معماری در فرآیند خلق اثر به شرح زیر قابل شرح است:

فردگرایی در خلق اثر مورد سنجش قرار گرفت. در نهایت بخش سوم شامل سنجش بنیان‌توانش زیبایی‌شناسانه دانشجویان بوده که در دو بخش فرعی، درجه توانایی ادراک اثر مفهومی و درجه توانایی تبدیل ذهنیت پرورش‌یافته به عینیت و کالبد را در دانشجویان می‌سنجد. آثار منتخب بهره‌گرفته شده در پرسشنامه تصویری پژوهش نیز که با هدف تبیین گرایش سلیقه زیبایی‌شناختی جامعه مورد سنجش تدوین شده است، به شرح جدول ۲ قابل معرفی است.

پس از ارزیابی روایی و پایایی پرسشنامه‌ها توزیع و جمع‌آوری و در نهایت یافته‌ها تحلیل، بررسی و مقایسه شد. نتایج حاصل از بررسی پرسشنامه‌های دانشجویان در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و مقایسه سه بنیان‌دانش، بینش و توانش زیبایی‌شناسانه آنان بدین شرح است: مطابق نمودار ۲ میانگین نمرات دریافتی دانشجویان در سطح متوسط ارزیابی شده و دانشجویان کارشناسی ارشد در سه بنیان مد نظر، رتبه بالاتری نسبت به دانشجویان کارشناسی دریافت کردند؛ اما در مقایسه سه بنیان نسبت به یکدیگر در هر دو مقطع، سیر نزولی از دانش به بینش و در نهایت توانش دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که دانشجویان مراکز مورد سنجش در هر دو مقطع از دانش زیبایی‌شناسانه بیشتری نسبت به سایر بنیان‌ها برخوردارند. حوزه بینش در مرتبه دوم و حوزه توانش در این عرصه در مرتبه سوم و در رتبه پایین‌تر از متوسط قرار دارد. همچنین در حوزه دانش و توانش زیبایی‌شناسانه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد نسبت به دانشجویان کارشناسی برتری داشته و در رتبه بالاتری قرار دارند؛ اما در حوزه بینش زیبایی‌شناسانه تقریباً در سطح یکسانی ارزیابی شده‌اند. این موضوع نشان‌دهنده آن است که با ارتقاء سطح مقطع از کارشناسی به کارشناسی ارشد، سطح آگاهی و عمق آن در این حوزه نزد دانشجویان تغییر چندانی نمی‌کند.

در خلق اثر همساز با فرهنگ و زمینه اثر را بیاموزد. همچنین فارغ‌التحصیل این رشته باید با کارکرد ارجاعی هنر آشنا و به لزوم به کارگیری دانش و مهارت فراگرفته در جهت صحیح خدمت به جامعه و پیشبرد رسالت هنر معماری معتقد باشد.

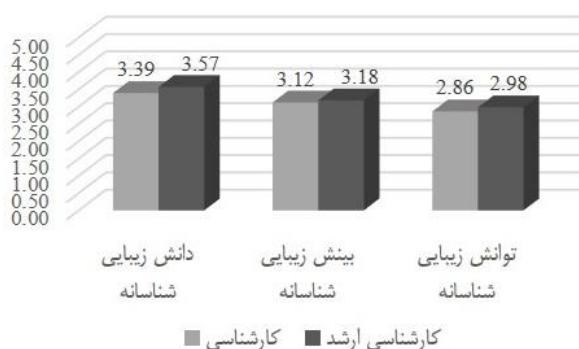
توانش زیبایی‌شناسانه: فارغ‌التحصیل معماری لازم است با مؤلفه‌های مؤثر در طراحی مفهومی نظیر تداعی، کنایه، تجرید و تلخیص و .. آشنا بوده و توانایی ادراک آثار مفهومی را داشته باشد. همچنین لازم است توانایی تبدیل ذهنیت پرورش‌یافته خود به عینیت و کالبد را در قالب طرح معماری در جریان آموزش در خود بیوراند. شایان توجه است که آموزش در این حوزه آنگاه جامع و کامل خواهد بود که بر هر سه بخش به صورت توأمان نظر داشته باشد. گرایش به سمت هر بعد از ابعاد تبیین شده در نظام آموزشی معاصر، در شکل‌گیری و جهت‌دهی به سلیقه زیبایی‌شناختی دانشجویان نقش مؤثری خواهد داشت.

۲. کیفیت‌سنجی تربیت زیبایی‌شناسانه دانشجویان معماری در نظام آموزشی حاضر

در ادامه تحقیق بر اساس شاخص‌های به دست آمده درباره محتوا و تبیین بنیان‌های آموزش در حوزه تربیت زیبایی‌شناختی دانشجویان، پرسشنامه‌ای متناسب با هدف تدوین گردید. بر این اساس به استناد الگوی حاصل در مرحله اول پژوهش، پرسشنامه‌ای در سه بخش اصلی و هفت بخش فرعی در مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت بدین شرح تدوین شد: بخش اول شامل سنجش بنیان دانش زیبایی‌شناسانه بوده که خود شامل دو بخش فرعی درجه آشنایی با مفاهیم زیبایی‌سوری و درجه اهمیت به کارگیری معیارهای زیبایی‌سوری در خلق اثر زیباست. در بخش دوم برای سنجش بینش زیبایی‌شناسانه دانشجویان در سه بخش فرعی، درجه آشنایی با مفاهیم زیبایی‌نمادین، درجه اهمیت به کارگیری معیارهای زیبایی‌نمادین در خلق اثر زیبا و درجه نگرش صحیح به رسالت هنر معماری و دوری از

جدول ۲: نمونه بناهای منتخب در پرسشنامه تصویر

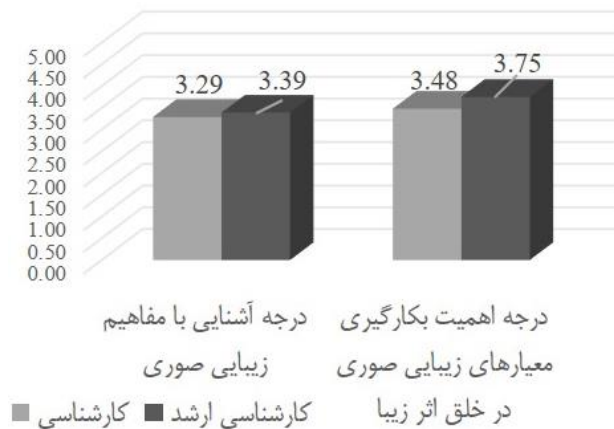
گروه اول: بناهای دارای گرایش به زیبایی فرمال				گروه دوم: بناهای دارای گرایش به زیبایی نمادین			
ردیف	نام اثر	نام معمار	تصویر	ردیف	نام اثر	نام معمار	تصویر
۱	ساختمان جدید مجلس (تهران)	مهندسان مشاور پلیمر		۶	خانه طباطبایی‌ها (کاشان)	استاد علی مریم کاشانی	
۲	خانه مشا (تهران)	گروه معماری موج نو		۷	خانه سعادت (کاشان)	--	
۳	ویلا کوهسار (کرج)	علیرضا تغابنی		۸	ارسی‌خانه (تهران)	کیوانی و همکاران	
۴	ویلای برادر کوچکتر (تهران)	علیرضا تغابنی		۹	حضور در هرمز (هرمز)	شرکت مشاور طراحان زاو	
۵	ویلای ۱۲ (مازندران)	محمدرضا مرعی		۱۰	مرکز فرهنگی سینمایی دزفول	فرهاد احمدی	



نمودار ۲: مقایسه سه بنیان دانش، بینش و توانش زیبایی‌شناسانه در ارزیابی دانشجویان

درجه اهمیت بکارگیری معیارهای زیبایی نمادین در خلق اثر زیبا در نگاه تربیت یافته دانشجویان در رتبه اول، درجه آشنایی با مفاهیم زیبایی نمادین در فرهنگ ایرانی در رتبه دوم و در نهایت نگرش صحیح به رسالت هنر معماری در نگاه دانشجو در این بنیان در رتبه سوم و در سطح متوسط قرار دارد.

بر اساس نمودار ۳ که مقایسه زیرمعیارهای بنیان دانش زیبایی‌شناسانه را در دو مقطع نشان می‌دهد، درجه اهمیت بکارگیری معیارهای زیبایی صوری در خلق اثر زیبا نسبت به میزان تسلط دانشجو بر مفاهیم پایه حوزه زیبایی صوری، در درجه بالاتری قرار دارد. همچنین در حوزه بینش زیبایی‌شناسانه، مطابق نمودار ۴



نمودار ۳: مقایسه زیر مولفه‌های بنیان دانش زیبایی‌شناسانه در ارزیابی دانشجویان

هنر و دوری از فردگرایی در خلق اثر رتبه‌ای تقریباً یکسان و در سطح متوسط کسب نموده‌اند؛ که این امر بر ضعف دیدگاه دانشجویان در اعتقاد به رسالت هنر معماری به عنوان هنری که باید در جهت صحیح خدمت به جامعه و احترام به ارزش‌های اعتقادی آن‌ها بکار گرفته شود، تاکید دارد. بدین ترتیب نتایج حاصل از بررسی‌های به عمل آمده در این بخش بر لزوم توجه بیشتر به مولفه‌های فرهنگی و ارتقا بینش دانشجویان در برنامه‌های آموزشی و تدوین محتوای دروس نسبت به افزایش دانش حوزه تخصصی آن‌ها تاکید دارد. در حوزه توانش زیبایی‌شناسانه، نمودار ۵ نشان‌دهنده آن است که درجه توانایی ادراک آثار مفهومی دانشجویان کارشناسی بالاتر از میزان توانایی آن‌ها در تبدیل ذهنیت پرورش یافته خود به عینیت و کالبد است. به عبارتی دانشجویان در این مقطع خود را در درک آثار مفهومی تواناتر از خلق اثر مفهومی می‌دانند. این در حالیست که لزوم تسلط بر مهارت‌های ارائه طرح از اصلی‌ترین بنیان‌های آموزش پایه در این رشته است که از مقدمات و پیش‌نیازهای ورود دانشجو به حرفه معماری به شمار می‌رود. دو مولفه مذکور در دانشجویان کارشناسی ارشد تقریباً در سطحی یکسان و در حد متوسط ارزیابی شده است.

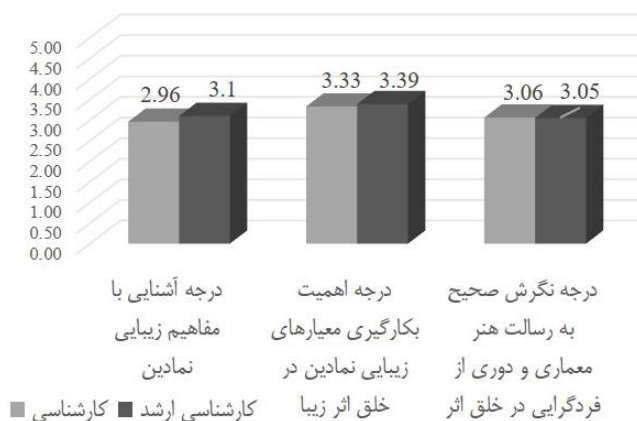
به نظر می‌رسد این موضوع به دلیل ورود بیشتر دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی به بازار کار حرفه

با توجه به نمودارهای ۳ و ۴ می‌توان اینگونه استنباط نمود که دانشجویان علیرغم ضعف آشنایی و تسلط بر مفاهیم پایه در حوزه زیبایی‌شناسی و نمادین، با مولفه‌های عینی آن‌ها در خلق اثر آشنایی بیشتری داشته و اهمیت آن‌ها را در زیبایی آثار مثبت ارزیابی کرده‌اند. این گرایش به بکارگیری معیارهای زیبایی در خلق اثر بدون تسلط و اشراف کافی بر مفاهیم پایه در هر حوزه، می‌تواند خطر گرایش به معماری تقلیدی در هر دو نوع معماری را افزایش دهد.

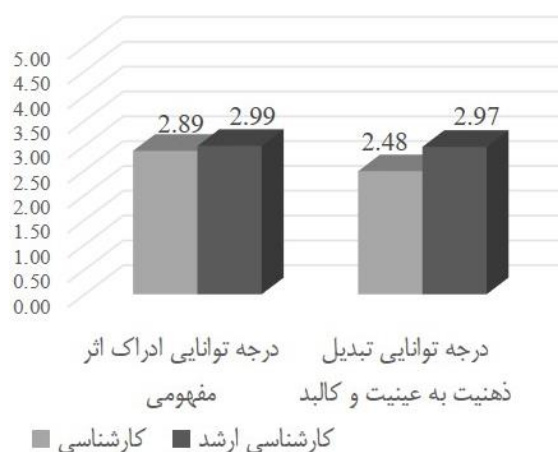
از طرفی مقایسه مولفه‌های عمودی دو نمودار مذکور نشان دهنده آن است که در نگاه دانشجویان دو مقطع درجه اهمیت معیارهای زیبایی‌شناسی در زیبایی اثر بالاتر از معیارهای زیبایی نمادین بدین منظور ارزیابی شده است. به تعبیری گرایش به معیارهای زیبایی‌شناسی یا فرمال در ارزیابی اثر زیبا نسبت به زیبایی نمادین در نگاه پرورش یافته آن‌ها محسوس است. شاید ریشه این گرایش را نیز بتوان در میزان تسلط دانشجویان بر مفاهیم پایه در دو حوزه مذکور یافت. بر اساس نتایج بدست آمده میزان آشنایی دانشجویان با مفاهیم حوزه زیبایی نمادین، که با فرهنگ و مبانی اعتقادی این سرزمین گره خورده بسیار پایین‌تر از میزان آشنایی آن‌ها با مفاهیم حوزه زیبایی فرمال است. همچنین بر اساس نمودارهای فوق الذکر، دانشجویان هر دو مقطع در اعتقاد به کارکرد ارجاعی

می‌باشند، در حالیکه بیش از نیمی از دانشجویان کارشناسی ارشد در جامعه مورد سنجش (۵۳/۱ درصد) در بازار کار حرفه ای مشغول فعالیت هستند.

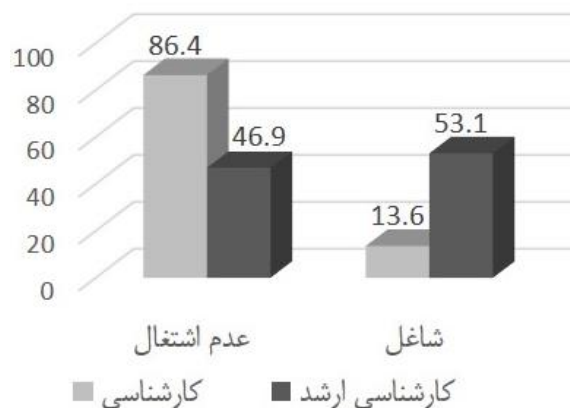
ای و افزایش تجربه طراحی آن‌ها باشد. همانگونه که در نمودار ۶ قابل مشاهده است ۸۶/۴ درصد دانشجویان کارشناسی پاسخ‌دهنده به پرسشنامه حاضر فاقد شغل



نمودار ۴: مقایسه زیر مولفه‌های بنیان بینش زیبایی‌شناسانه در ارزیابی دانشجویان



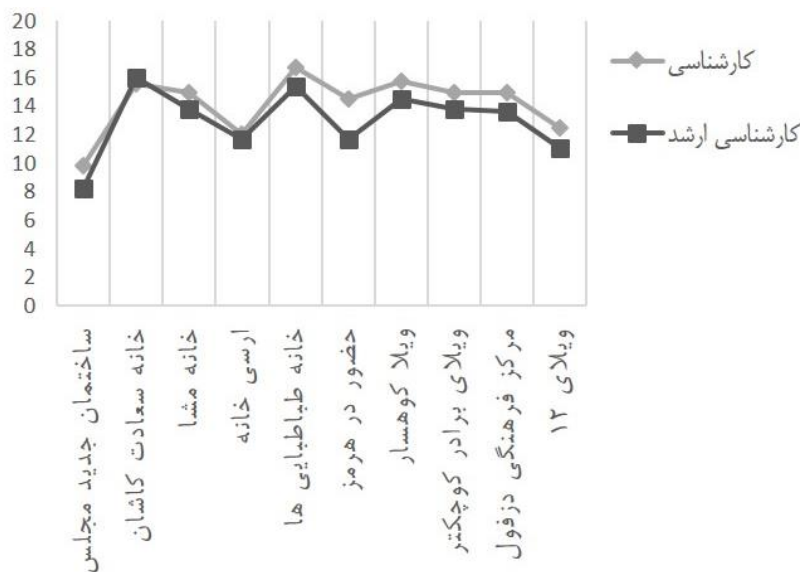
نمودار ۵: مقایسه زیر مولفه‌های بنیان توانش زیبایی‌شناسانه در ارزیابی دانشجویان



نمودار ۶: مقایسه درصد اشتغال دانشجویان به تفکیک سطح مقطع

معماری است که به تعبیر غریب پور (۲۰۱۳)، نه به مثابه یک هدف، بلکه وسیله‌ای شناخته می‌شود که طراح را در عینیت بخشیدن به ذهنیات و تصوراتش یاری می‌دهد. این مهارت امروزه با گسترش کمی و کیفی نرم افزارهای رایانه‌ای، روزبه‌روز در حال کمرنگ‌تر شدن است.

با توجه به اینکه ارائه مناسب طرح، مستلزم داشتن بیان گرافیکی و قواعد ترسیم می‌باشد، توجه بیش از پیش به ارتقا مهارت‌های ترسیم دست آزاد، ترسیم کروکی‌ها و پرسپکتیوها و ارائه و راندو آن‌ها برای دانشجویان در مقاطع پایه ضروری به نظر می‌رسد. ترسیم با دست یکی از مهمترین مهارت‌ها در آموزش



نمودار ۷: میانگین نمرات داده شده به هر بنا در ارزیابی دانشجویان

بینش و توانش زیبایی‌شناسانه در قضاوت زیبایی‌شناسانه دانشجویان تا حد زیادی موثر است. بر اساس جدول ۳ که اولویت‌بندی بناها توسط پرسش‌شوندگان را نشان می‌دهد، پنج اولویت اول هر دو گروه را بناهای مشترکی تشکیل می‌دهد که در رتبه‌بندی چند پله با یکدیگر اختلاف دارند. خانه طباطبایی‌ها و خانه سعادت که هر دو از آثار ثبت شده ملی و جزو میراث فرهنگی این سرزمین هستند، به ترتیب رتبه اول و دوم را در ارزیابی زیبایی‌شناسانه دانشجویان کارشناسی‌ارشد بدست آورده‌اند. اما دانشجویان کارشناسی خانه طباطبایی‌ها را در رتبه اول و ویلا کوهسار را به عنوان بنایی کاملا مدرن و دارای گرایش زیبایی‌شناسانه فرمی در رتبه دوم ارزیابی نموده‌اند.

تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه تصویری در تبیین گرایش سلیقه زیبایی‌شناختی جامعه مورد سنجش نیز نتایج مشابهی را نشان می‌دهد. در این فرآیند میانگین نمره‌های داده شده به هر بنا، توسط هر گروه از پرسش‌شوندگان در نموداری تنظیم شده و اولویت‌بندی بناها بر اساس قضاوت و ارزیابی زیبایی‌شناختی هر گروه مشخص گردید. بر اساس نمودار ۷، میانگین نمرات داده شده به بناها هم‌سویی نسبی ارزیابی دانشجویان در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را نشان می‌دهد. همچنین میانگین نمرات داده شده به بناها توسط دانشجویان کارشناسی‌ارشد به طور نسبی از دانشجویان مقطع کارشناسی کمتر است. به تعبیری دانشجویان مقطع بالاتر در ارزیابی و قضاوت زیبایی‌شناسانه بناها سختگیرانه‌تر عمل نموده‌اند. این امر می‌تواند موید این مطلب باشد که ارتقا دانش و دیدگاه در سه حوزه دانش،

جدول ۳: اولویت‌بندی بناها توسط پرسش‌شوندگان بر اساس میانگین نمرات داده شده به بناها

اولویت	دانشجویان کارشناسی	دانشجویان کارشناسی ارشد
۱	خانه طباطبایی ها	۱6.78
۲	ویلا کوهسار	۱5.77
۳	خانه سعادت کاشان	۱4.52
۴	خانه مشا	۱5.01
۵	ویلای برادر کوچکتر	۱3.86
۶	مرکز فرهنگی دزفول	۱4.97
۷	حضور در هرمز	۱4.55
۸	ویلای ۱۲	۱2.45
۹	ارسی خانه	۱1.69
۱۰	ساختمان جدید مجلس	۹.82

زیبایی‌شناسانه پرورش یافته جامعه مورد نظر به زیبایی فرمال نسبت به زیبایی نمادین تاکید داشته که با نتایج بدست آمده در مرحله اول سنجش، همسویی داشته است. با توجه به اینکه دانشجویان در هر دو مقطع از دانش زیبایی‌شناسانه بالاتری نسبت به بینش زیبایی‌شناسانه برخوردارند، در ارزیابی آثار از این حیث نیز گرایش بیشتر به زیبایی فرمال نسبت به زیبایی نمادین را نشان می‌دهند.

به طور کلی از پنج اولویت اول دانشجویان هر دو مقطع، سه بنا دارای گرایش به زیبایی فرمال و دو بنا دیگر که گرایش به زیبایی نمادین در فرهنگ ایرانی داشته‌اند، از آثار ملی و جزو میراث فرهنگی این سرزمین بوده‌اند. در مقابل، طراحی‌های مفهومی با نگاهی نوین به مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی جامعه ایرانی، مانند مرکز فرهنگی دزفول، مجموعه حضور در هرمز و ارسی خانه، در هر دو گروه در رتبه ششم و پایین‌تر ارزیابی شده‌اند. این امر بر گرایش نسبی سلیقه



نمودار ۸: اولویت‌بندی بنیان‌های تربیت زیبایی‌شناسانه دانشجویان در نظام آموزش عالی در مراکز مورد سنجش

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد دیدگاه زیبایی‌شناختی یک معمار باید در سه حوزه پرورش و تربیت یابد. به عبارتی ماهیت آموزش معماری در این حوزه باید با هدف تربیت معمارانی صورت گیرد که

به تعبیری گرایش و تاکید بیشتر بر حوزه دانش در سیر تربیت زیبایی‌شناسانه دانشجویان نسبت به دو بنیان دیگر، در جهت‌دهی سلیقه زیبایی‌شناسانه آن‌ها به سمت زیبایی فرمال تا حد زیادی موثر بوده است (نمودار ۸).

قرارگیری حوزه توانش در رتبه سوم و تحلیل نتایج زیر معیارهای این حوزه نیز نشان از ضعف در مهارت‌های طراحی و توانایی ارائه آثار مفهومی دانشجویان دارد. این درحالیست که اگر فرآیند طراحی را به مثابه عینی‌سازی یک امر ذهنی بپذیریم، ارتقا دانش و بینش زیبایی‌شناسانه دانشجویان زمانی نتیجه مطلوب بدنبال خواهد داشت که دانشجو قادر به تبدیل ذهنیت پرورش یافته خود به عینیت و کالبد باشد. در حقیقت این مولفه همان چیزی است که دانشجو در جریان بهره‌گیری از دانش و بینش پرورش یافته خود در راستای خلق اثر بدان نیاز خواهد داشت.

بدین‌ترتیب دو ضعف اساسی در تربیت زیبایی‌شناسانه دانشجویان معماری را می‌توان در آشنایی با مفاهیم زیبایی‌نمادین، یا به تعبیری در آشنایی با مفاهیم فرهنگی و مبانی اعتقادی این سرزمین و مهارت ارائه طرح دانست. پیامد این امر تربیت معمارانی است که در عین توانمندی فنی و علمی، «حکمت» و «مهارت» بکارگیری دانش خویش را ندارند. چنانچه ماهیت و جایگاه هر یک از حوزه‌های سه‌گانه تربیتی تبیین شده در حوزه زیبایی‌شناسی، به درستی شناخته شده و به صورت متعادل در نظام آموزشی حاضر مورد توجه قرار گیرد، امید است بستری مناسب برای خلق آثاری که هم از لحاظ بصری ساختار ادراکی دلپذیری داشته و هم از لحاظ فرهنگی واجد تداعی‌های نمادین لذتبخشی باشد، بیش از پیش فراهم آید.

یافته‌های مذکور، در زمینه ضعف بنیان‌های آموزش معماری در نظام آموزشی حاضر، با نتایج تحقیقات حجت (۲۰۱۱) و غریب پور و توتونچی (۲۰۱۶) و از منظر تاثیر تحصیلات تکمیلی بر ارتقا دیدگاه زیبایی‌شناسانه دانشجویان، با نتایج تحقیقات مهدوی‌نژاد و ناگهانی (۲۰۱۱)؛ گریپ و گریپ (۲۰۱۲) و سافاروا (۲۰۱۹) همسو است. همچنین یافته‌های مذکور با نتایج تحقیقات مهدوی‌نژاد و همکاران (۲۰۱۴)، در زمینه شیوه‌های آموزش بر تربیت زیبایی‌شناسانه دانشجویان همسو است. شایان ذکر است از مهمترین

مسئله به دانش حوزه تخصصی در این زمینه بوده و این دانش را در جهت صحیح و در راستای خدمت به جامعه بکار گیرند و مهارت معمارانه خلق اثر را نیز داشته باشند. گرایش یک جانبه به سمت هر یک از بنیان‌های آموزش در این عرصه، تربیت معمارانی تک‌قطبی در دیدگاه زیبایی‌شناسانه را بدنبال خواهد داشت.

یافته‌های تحقیق حاضر در دو مرحله کمی و کیفی نشان‌دهنده آن است، دانشجویان کارشناسی‌ارشد نسبت به دانشجویان کارشناسی در دو عرصه دانش و توانش زیبایی‌شناسانه برتری داشته و در حوزه بینش تقریباً در سطح مشابه (متوسط) قرار دارند؛ که این امر در قضاوت سختگیرانه‌تر آثار از حیث زیبایی نیز نمود یافت. به تعبیری در مراکز مورد سنجش در پژوهش حاضر، ارتقا دانش زیبایی‌شناسانه دانشجویان نسبت به دو بنیان دیگر دارای اهمیت بالاتری بوده، به گونه‌ایکه دانشجویان در این حوزه در مرتبه بالاتری نسبت به بنیان بینش قرار داشته و در نهایت بنیان توانش در مرتبه سوم قرار دارد؛ که این امر در گرایش محسوس سلیقه زیبایی-شناختی آن‌ها به زیبایی فرمال نیز نمود یافت. از طرفی با ارتقا سطح مقطع از کارشناسی به کارشناسی‌ارشد انتظار می‌رود سطح آگاهی دانشجویان و عمق آن در حوزه بینش و اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی جامعه نیز ارتقا یابد. این در حالیست که در سنجش به عمل آمده، دانشجویان هر دو مقطع نسبتاً در سطح یکسانی قرار دارند؛ که این مساله بر کم‌توجهی به این بنیان و معیارهای آن در عرصه تربیت زیبایی‌شناسانه دانشجویان، حتی در دوره تحصیلات تکمیلی در این مراکز تاکید دارد. در ارزیابی زیبایی‌شناسانه آثار نیز، گرایش به زیبایی نمادین در هر دو مقطع مذکور، به آثار ملی و میراث فرهنگی این سرزمین محدود شده و حتی در نگاه پرورش یافته دانشجویان نیز طراحی‌های مفهومی با نگاه به مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی جامعه ایرانی، با شیوه بیانی نوین، در مقایسه با نمونه‌های مدرن دارای گرایش زیبایی‌شناسانه فرمال، چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

ماکت‌ها با مصالح و مقیاس‌های مختلف و با اهداف متفاوت بدین منظور قابل توجه است.

- تقویت مهارت بیرونی سازی اندیشه با ارتقا مهارت دست آزاد دانشجویان: ترسیم با دست یکی از مهمترین مهارت‌ها در آموزش معماری است که طراح را در عینیت بخشیدن به ذهنیات و تصوراتش یاری می‌دهد. این مهارت امروزه با گسترش کمی و کیفی نرم‌افزارهای رایانه‌ای، روز به روز در حال کمرنگ تر شدن است. اگر فرآیند طراحی را فرآیند حل مسئله یا عینی سازی یک امر ذهنی بدانیم، ترسیم با دست به عنوان مهمترین وسیله برای بیرونی‌سازی امر ذهنی است که ذهن طراح را به فعالیت و زایش واداشته و فرآیند خلاقیت و تفکر را همراه با عینی‌ساختن ذهنیات هدایت می‌کند.
- آشنایی بیشتر با مفاهیم انتزاعی: مواجهه بیشتر با مفاهیم انتزاعی و تمرین تفکر انتزاعی در طراحی در قالب تمرین‌های دو بعدی و سه بعدی، که دانشجویان را برای درک رابطه میان فرم و محتوا یا معنا آماده کند.

منابع

- Aavani, G. (1996). *Wisdom and spiritual art*. Tehran: Garous. [Persian]
- Aghalatif, A. & Kolyaii, V. (2018). Sanandaj historic houses; the reading of physicality from a life culture point of view. *Soffeh*, 28(80), 111-131. [Persian]
- Ahmadi, B. (2017). *Truth and Beauty, Lectures on the Philosophy of Art*. Tehran: Nashr-e-Markaz. [Persian]
- Ansari, M., Nasrabadi, H., Leiaghatdar, M. & Bagheri, K. (2014). Analyzing the theory of aesthetic experience of John Dewey. *Research in Curriculum Planning*, 11(41), 51-62. [Persian]
- Ardalan, N. & Bakhtiar, L. (2011). *The Sense of Unity: the Sufi Tradition in Persian*

محدودیت‌های تحقیقات علمی پیرامون موضوعات کیفی نظیر «زیبایی‌شناسی»، کم‌توجهی به مساله و حتی گاه‌گاه غیبت آن‌ها در عمده پژوهش‌های علمی صورت گرفته در حوزه آموزش معماری است، که لازم است بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند. به استناد یافته‌های پژوهش، ارتقا برنامه‌ها و شیوه‌های آموزش معماری در برقراری نسبت درست با فرهنگ و ارتقا مهارت‌های طراحی و ارائه اثر دانشجویی می‌تواند گام مهمی در ایجاد توازن و تعادل در نظام تربیت زیبایی‌شناسانه دانشجویان و ارتقا انطباق آموزش معماری در این حوزه با بستر فرهنگی کشور باشد، که در ادامه پیشنهادهای در این راستا ارائه خواهد شد.

- ارتقا توجه به مولفه‌های فرهنگی در دروس دارای ظرفیت مناسب: پیشنهاد می‌شود در دروس حوزه طراحی معماری که از لحاظ ماهیت و تعداد واحد، بیشترین بار آموزش معماری را بر دوش می‌کشد و نقش مهمی در پرورش بینش دانشجویان دارند، به اندازه‌ای که ظرفیت آن وجود دارد، به مولفه‌های فرهنگ پرداخته شود.
- افزایش جلسات تحلیل، نقد و گفتگو: آشنایی بیشتر با مباحث نظری مرتبط با معماری و مولفه‌های فرهنگی در قالب برگزاری جلسات نقد و گفتگو در کنار تمرین‌های عملی، می‌تواند بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.
- بازدید و سفر بیشتر: بازدید از آثار و مکان‌های تاریخی شهرها و روستاها و مواجهه مستقیم با بستر، جامعه و فضاها که دانشجویان را با هنر، فرهنگ و معماری بومی سرزمین خود به نحو ملموس‌تری آشنا کند.
- پرورش مهارت ترسیم و حجم سازی: ارتقا مهارت‌های دانشجویی برای بیان ترسیمی ایده‌ها و طرح‌ها در مقیاس‌های مختلف از طریق ترسیم‌های دستی و فنی بصورت اسکیس‌های دو بعدی و سه بعدی؛ همچنین تجربه شناخت انواع

- Architecture (V. Jalili, Trans.). Tehran: Elm-e-Memar-e-Royal. [Persian]
- Burckhardt, T. (2009). Art of Islam, Language and Meaning (M. Rajabnia, Trans.). Tehran: Soroush press. [Persian]
- Carlson, A. & Charles P. (2016). A qualitative meta-synthesis of the benefits of eco-labeling in developing countries. *Ecological Economics*, 12(127), 129-145.
- Cuthbert, A. R. (2006). *The Form of Cities*. Australia: Blackwell Publishing Ltd.
- Dibaj, S. M. (2016). *Historical Consciousness of Iranian Architecture*. Tehran: cultural-research office. [Persian]
- Eisner, E. W. (1985). *Aesthetic modes of knowing. In Learning and Teaching the Ways of Knowing*. Chicago: University of Chicago Press.
- Eliade, M. & Adams, C. (1987). *The Encyclopedia of Religion*, New York: Macmillan; London: Collier Macmillan.
- Garip, E. & Garip, B. (2012). Aesthetic evaluation differences between two interrelated disciplines: A comparative study on architecture and civil engineering students. *Social and Behavioral Sciences*, 51, 533-540.
- Greene, M. (1983). *Landscapes of learning*. New York: Teachers College Press.
- Hanfling, S. (1998). *Identity of Art*. (A. Ramin, Trans.). Tehran: Hermes Press. [Persian]
- Haeri, M. R. (1996). Today's housing design and the basics of traditional homes. *Abadi*, 6(23), 18-28. [Persian]
- Hojjat, E. & Aghalatifi, A. (2010). Contemplation on the role of addressee in the quality of Iranian Contemporary Architecture. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memary Va Shahrsazi*, 2(42), 25-35. [Persian]
- Hojjat, E. (2013). Architecture Teacher: How does our architecture create and how it train us?. *Soore*, 1(12), 40-46. [Persian]
- Hojjat, E. (2011). *Mentoring Architecture*. Tehran: University of Tehran Press. [Persian]
- kazempour, E., Ghaffari, K. & Oughani Hamedani, M. (2017). The impact of DBAE Curriculum on Art Education of Primary School Students. *Research in Curriculum Planning*, 14(52), 98-110. [Persian]
- Kiani, M., Behjou, A. & Rastian Tehrani, N. (2016). Spatial continuity in contemporary Iranian architecture. *Naqshejahan*, 5(3), 52-67. [Persian]
- Lang, J. (2011). *Creating Architectural Theory* (A. R. Eynifar, Trans.). Tehran: University of Tehran Press. [Persian]
- Mahdavejad, M., Bahtooei, R., Hosseinikia, M. M., Bagheri, M., Motlagh, A & Farhat, F. (2014). Aesthetics and Architectural Education and Learning Process. *Social and Behavioral Sciences*, vol.116, pp.4443-4448
- Mahdavi Nezhad, M. & Nagahani, N. (2011). The Impact of Visual Literacy on Perception of Beauty in Architectural Buildings. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 4(7), 51-62. [Persian]
- Majlesi, M. B. (2005). *Hilyat al-Muttaqin*. Tehran: Yas-e-Behesht Press. [Persian]
- Mirmiran, H. (1996). What can be learned from the past Architecture. *Abadi*, 6(23), 29-36. [Persian]
- Momeni, K. & Naseri, N. (2016). Surveying the Tools and Methods of Creating Privacy in the Zinat-ol Mulk Traditional House in Shiraz (Based on the Quran Verses and Islamic Hadiths). *Iran University of Science & Technology*, 3(4), 18-33. [Persian]
- Nasr, H. (1987). *Science in Islam* (A. soroush, Trans.). Tehran: Soroush Press.
- Nasr, S. H. (1971). *The Sense of Unity (preface)*. Tehran: Elm-e-Memar-e-Royal. [Persian]
- Nayebi, F. (2002). *Life in the Yard*. Tehran: Nezhad. [Persian]
- Pirnia, M. K. (2010). *Stylistics of Iranian Architecture*. Tehran: Soroush. [Persian]
- Qayyoomi Bidhendi M. & Abdollahzadeh, M. (2012). Architecture, Land, and Man, Rereading and Criticizing Pirnia's Suggested

- Principles for Iranian Architecture. *Journal of Iranian Architecture Studies*, 1 (1), 7-23. [Persian]
- Safarova, K., Pírko, M., Jurík, V., Pavlica, T., & Németh, O. (2019). Differences between young architects' and non-architects' aesthetic evaluation of buildings. *Frontiers of Architectural Research*, 8(2), 229-237.
- Sedaghati, A. & Hojjat, I. (2019). Investigating contiguous master's and non-countiguous master's degree Courses of Architecture and comparing their adaptability with Architecture Education Factors. *Technology of Education Journal (TEJ)*, 13(4), 101-119. [Persian]
- Shahcheraghi, A. & Bandarabad, A. (2016). *Environed in Environment: Application of environmental psychology in architecture and urban design*. Tehran: Iranian Student Book Agency. [Persian]
- Soleimani, M. & Mondehari, K. (2017). Iranian Traditional Home Aesthetics: Recognition Aesthetics Elements Based on Grounded Theory (Case Study: Yazd). *Hoviatshahr*, 10(4), 67-78. [Persian]
- Tahbaz, M. (2003). Beauty in architecture. *Soffeh*, 13(37), 75-97. [Persian]
- Tahmasbzadeh Sheikhlari, D. & Alamalhoda, J. (2015, November). *Aesthetic education: a comprehensive approach to the challenges of the curriculum*. Paper presented at International Conference on Humanities, psychology and social sciences in Iran, Tehran. IRIB international conference center. Retrieved in www.sid.ir. [Persian]
- Toofan, S. (2006). Traditional houses construction with beautiful court yards. *The Monthly Scientific Journal of Bagh- E Nazar*, 3(6), 64-77. [Persian]
- Vaezi, M. (2018). Reviews of assessment procedures and analysis of the quality and aesthetics of the environment and the urban landscape. *Human & Environment*, 16(2), 131-142. [Persian]
- Yousefian, J. (2000). Take a look at the concept of aesthetics. *Journal of Persian Language & Literature (Former Journal of the Faculty of Literature, University of Tabriz)*, 43(177), 135-179. [Persian]